

بررسی گروه تروریستی داعش خراسان به عنوان تهدیدی مشترک برای ایران و افغانستان

امیر حسام هاشمی^۱

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته رشته معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع) _ مسئول میز افغانستان و پاکستان دفتر مقاومت بسیج دانشجویی امام صادق (ع)

چکیده

وجود جریان‌های تروریستی اسلام‌نما یکی از مهم‌ترین تهدیدات امنیتی قرن حاضر می‌باشد. این گروه‌ها که در شرایط ملتهب جوامع ایجاد می‌شوند، غالباً از حمایت پنهان و هدفمند بین‌المللی نیز بهره‌مند هستند. یکی از این گروه‌های نوظهور و خطرناک، داعش خراسان است. رهبران داعش با هدف گسترش حوزه نفوذ، در سال ۲۰۱۵م شایعه‌ای از داعش را در مناطق جنوبی افغانستان تأسیس نمودند. از زمان تشکیل این گروه در افغانستان، مقامات طالبان آنان را در ردیف دشمنان خود به حساب آورده و با آنان به ستیز پرداخته‌اند. اقدامات تروریستی اخیر این گروه، زنگ خطر جدی را برای امنیت کشورمان نیز به صدا درآورده است. روش تحقیق در این مقاله، توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی می‌باشد. عناوینی که در یافته‌های پژوهش بررسی گردیده؛ تاریخچه‌ی تشکیل داعش خراسان، تفاوت‌های آن با جنبش طالبان، برجسته‌ترین اقدامات آن علیه ایران و افغانستان و ذکر ملزومات و زمینه‌های همکاری برای مقابله با این گروه می‌باشد. نتایج تحقیق نشان داد که حکومت کنونی افغانستان به دلیل هدف استقرار امنیت و تضاد ایدئولوژیک با گروه داعش، می‌تواند به عنوان متحدی استراتژیک برای نابودی آن تعریف شود.

واژه‌های کلیدی: داعش خراسان، تهدید، افغانستان، ایران، امنیت، طالبان

۱- مقدمه

یکی از عناصر لازم و اساسی برای هر کشور، ایجاد امنیت و تهدیدزدایی می‌باشد. از آنجایی که کشورها دارای مرزها و گاه‌آ‌ منافعی مشترکی با هم هستند، تأمین امنیت و آرامش و کاهش آسیب‌ها و تهدیدات منطقه‌ای نیازمند کنار گذاشتن اختلافات، اولویت‌بخشی به مسائل و همکاری‌های هدفمند و منسجم می‌باشد. به عبارت دیگر، امروزه به دلیل سهولت رفت‌وآمد، گسترش شبکه‌های اینترنتی و مجازی، اهمیت تجارت منطقه‌ای و تأثیر مسائل مهم کشورها بر یکدیگر، می‌توان گفت که امنیت ملی هیچ کشوری به تنهایی حاصل نمی‌شود.

ایران و افغانستان دو کشور همجوار با حدود ۹۵۰ کیلومتر مرز مشترک می‌باشند. این دو سرزمین دارای برخی عناصر تاریخی و فرهنگی یکسان هستند و در منطقه‌ای ممتاز از قاره‌ی پهناور آسیا واقع شده‌اند. همچنین مهاجرت حاصل از جنگ و گسترده‌ی شهروندان افغانستانی و پناه‌آوردن آن‌ها به ایران، روابط میان دو کشور مذکور را افزون‌تر و پیچیده‌تر کرده است. امروزه از مهم‌ترین تهدیدات منطقه‌ای، شکل‌گیری و فعالیت جریان‌ها تروریستی- تکفیری می‌باشد. این جریان‌ها معمولاً در شرایط و اوضاع بحرانی و متشنج ایجاد می‌شوند. مؤلفه‌هایی چون بی‌ثباتی سیاسی، خلأ قدرت، فقر و بیکاری و یا بی‌توجهی به ارزش‌های مشترک مردم از سوی حکام، بستر ظهور و بروز این جریان‌ها را فراهم می‌سازد. در این میان، اگر حمایت‌های مغرضانه‌ی بین‌المللی نیز به این جریان‌ها و گروه‌ها تعلق بگیرد، سرعت رشد و قدرت آن‌ها افزایش پیدا کرده و موجبات تهدید و به خطر انداختن مناطق و جمعیت بیشتری را به ارمغان می‌آورد. یکی از این گروه‌ها، شاخه‌ی تروریستی داعش خراسان می‌باشد که جغرافیای تشکیل آن به مناطق جنوبی افغانستان بازمی‌گردد. طبق آنچه که بیان شد، کشور افغانستان به دلیل جنگ با رژیم سابق شوروی، منازعات قومی- قبیله‌ای و فضای ملتهب و آشفته‌ای که پس از حضور نیروهای نظامی آمریکا و ناتو در این کشور به وجود آمد، مدت‌ها از بی‌ثباتی سیاسی و فقر و بیکاری رنج می‌برد.

موارد فوق در کنار حمایت پنهان دولت‌های غربی، باعث شد که امرای گروه تکفیری داعش به فکر تأسیس شاخه‌ی جدید داعش موسوم به داعش خراسان (ISIS-K) در افغانستان بیفتند. موضوعی که امنیت مرزهای شرقی جمهوری اسلامی ایران را نیز با تهدید مواجه کرد. همچنین از بدو تشکیل این گروه، نیروهای طالبان که برای استقلال افغانستان در حال جنگ با نظامیان آمریکایی بودند، با چالشی جدی مواجه شده و آرایش نظامی خود را برای نبرد در دو جبهه تغییر دادند.

۲- رویکرد پژوهش

پژوهش حاضر، با رویکردی توصیفی- تحلیلی و با بهره‌گیری از اسناد کتابخانه‌ای و منابع اینترنتی ضمن اشاره مختصر به چگونگی تشکیل داعش خراسان، به بیان تفاوت‌های مهم این جریان با گروه طالبان می‌پردازد. همچنین در این پژوهش، جریان تروریستی- تکفیری داعش خراسان تهدیدی مشترک برای جمهوری اسلامی ایران و امارت اسلامی افغانستان مفروض پنداشته شده است که می‌تواند امنیت هر دو کشور را به مخاطره بیندازد.

۳- پیشینه‌ی پژوهش

در رابطه با گروه تروریستی داعش- دولت اسلامی عراق و شام- مقالات و آثار متنوعی مرقوم گشته است. این آثار بیشتر به زمینه‌های تشکیل این جریان و دلایل گرایش به آن می‌پردازند. همچنین برخی از آن‌ها علل گسترش دامنه‌ی نفوذ داعش در آسیای مرکزی و به خطر افتادن امنیت ملی کشورهای منطقه را به طور عام مورد بررسی قرار می‌دهند. در ذیل به مواردی اشاره می‌گردد؛

(الف) ایدئولوژی جریان داعش و دلایل تاریخی- اجتماعی گرایش به آن (مهدی‌زاده، منصوره و نوربخش، یونس)

(ب) تأثیر بنیادگرایی بر امنیت در آسیای مرکزی (فقیه عبداللهی، حسین و حیدرپور، ماشاءالله)

(ج) بررسی علل نفوذ داعش در آسیای مرکزی و پیامدهای احتمالی آن (ایاز، بهروز و اسلامی، محسن)

(د) شبکه‌ی سلول‌های تروریستی داعش در آسیای مرکزی (جوزانی کهن، شاهین و دهشیری، محمدرضا)

تفاوت مهم پژوهش حاضر با دیگر آثار مرتبط، آشنایی با تاریخچه‌ی تشکیل شاخه‌ی تروریستی - تکفیری داعش خراسان، بیان تمایزات این جریان با گروه طالبان و مفروض پنداشتن آن به عنوان چالشی برای امنیت ایران و افغانستان می‌باشد.

۴- تاریخچه‌ی مختصر داعش خراسان

پس از استیلای داعش- دولت اسلامی عراق و شام- بر مناطق مهمی از عراق و سوریه، امرای این گروه تصمیم گرفتند که دامنه‌ی نفوذ و خلافت خود را در منطقه‌ای موسوم به ولایت خراسان- بخش‌هایی از ایران، افغانستان، پاکستان و آسیای مرکزی- گسترش دهند. قبل از این تصمیم، فردی به نام حافظ سعیدخان- متولد منطقه اوراکزی پاکستان- به دلیل روابطی که با شبکه‌ی القاعده داشت، صدها تن از شهروندان افغانستان و پاکستان را جهت حمایت و کمک به مخالفان بشاراسد راهی سوریه کرده بود. این موضوع باعث شد هنگامی که داعش به فکر گسترش قلمروی خود بیفتد، حافظ سعیدخان را فردی متحد و وفادار به خود دانسته و در اوایل سال ۲۰۱۵ میلادی، رسماً او را به عنوان رهبر داعش خراسان منصوب نماید. حافظ سعیدخان بدون درنگ اقدام به تشکیل شورای رهبری داعش خراسان کرد و بعد از آن، شهرهای آچین، کوت، نازیا، تورابورا و هسکه‌مین در ولایت ننگرهار تبدیل به پناهگاه‌های اصلی داعش شدند. شرایط بحرانی آن زمان افغانستان و درگیری نیروهای مجاهد طالبان با ارتش آمریکا و هم‌پیمانان آن، تمرکز طالبان را معطوف به آن‌ها کرده بود که این امر، زمینه‌ی تشکیل شاخه‌ی داعش خراسان در مناطق جنوبی افغانستان را تسهیل کرد و باعث شد که رهبران داعش، افغانستان را به عنوان پایگاهی مناسب برای جهاد بین‌المللی ببینند.

با خروج نظامیان آمریکایی در تابستان ۲۰۲۱ از خاک افغانستان، حکومت طالبان بار دیگر روی کار آمد و تسلط خود را بر تمام مناطق کشور گستراند. بعد از آن، علیرغم فارغ‌شدن از نبرد با آمریکایی‌ها، مشکلاتی از جمله ویرانی، فقر و بیکاری، فشارهای دیپلماتیک غربی و تأمین منابع انسانی و اقتصادی لازم برای اداره‌ی کشور گریبانگیر مقامات طالبان شد.

از آنجایی که اصلی‌ترین وعده مقامات طالبان تثبیت امنیت در افغانستان بود، گروه تروریستی داعش بعد از خروج آمریکایی‌ها تبدیل به مهم‌ترین مخل امنیتی افغانستان شد. بعد از مرگ حافظ سعیدخان، افرادی موسوم به عبدالحسیب لوگری، عبدالرحمان غالب، ابوسعید اربابی، ابوعمر خراسانی و مولوی اسلم فاروقی مسئولیت این گروه تروریستی را بر عهده گرفتند. از ماه آوریل

نیز یک فرد افغانی‌الاصل موسوم به ثناءالله غفاری و با نام مستعار شهاب‌المهاجر، امیر و رئیس عملیاتی داعش خراسان شد. غفاری طراح اصلی حمله‌ی انتحاری ۱۴۰۰ میدان هوایی کابل بود که حدود ۲۰۰ کشته برجای گذاشت. (Farmer, 2021) حال بعد از نابودی اراضی داعش در سوریه و عراق، تمرکز جدی رهبران و حامیان بین‌المللی آن بر نسخه‌ی خراسانی این گروه تروریستی-تکفیری یعنی داعش خراسان معطوف شده است.

۵- پایگاه اجتماعی داعش خراسان و برخی دلایل گرایش به آن

بعد از شکل‌گیری شاخه‌ی داعش خراسان، برخی از علمای وهابی از آن حمایت نموده و گروه‌هایی تندرو از جمله جنبش اسلامی ازبکستان، حزب اسلامی ترکستان شرقی و لشکر طیبه (مستقر در پاکستان) با داعش خراسان اعلام بیعت و همکاری نمودند. طبق آمار سازمان ملل، در سال ۲۰۲۱ میلادی حدود ۴۰۰۰ نفر نیرو تحت فرمان داعش خراسان وجود داشتند و در منطقه فعالیت می‌کردند. با روی کار آمدن مجدد حکومت طالبان و تسلط آن بر تمام خاک افغانستان، سیاست مشت آهنین از سوی مقامات طالبان علیه داعش خراسان فعال شد و گامی جدی برای نابودی این گروه و خروج آن‌ها از جغرافیای افغانستان برداشته شد. لذا به موازات قوی‌تر شدن طالبان، اراضی تحت‌تصرف داعش کمتر شد و این گروه به فعالیت‌های زیرزمینی و شبکه‌سازی پنهان روی آورد. علیرغم حضور برخی نیروهای مطرود طالبان و دُگم‌اندیشان افغانی در این گروه، بخش مهمی از بدنه‌ی داعش خراسان از جوانان دو کشور تاجیکستان و ازبکستان تشکیل شده است که تحرکات اخیر آن‌ها تهدیدی جدی و مهم برای امنیت کشورهای منطقه محسوب می‌شود. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و دستیابی کشورهای آسیای مرکزی به استقلال سیاسی، وضعیت این کشورها صرفاً از لحاظ صوری نسبت به گذشته تغییر کرد. اسلام کریم‌اف در ازبکستان و امامعلی رحمان در تاجیکستان با سابقه‌ی حضور در کادر حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی، همان رویکرد سکولار و اقتدارگرایانه‌ی خود را پس از فروپاشی نیز تا حدودی حفظ کردند. (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۰: ۷۸-۷۹)

نقش دین اسلام در روند دولت-ملت‌سازی باعث شد که برخی مقامات سیاسی این دو کشور، اسلام را تهدیدی جدی برای حکومت‌های خودکامه‌ی خود به حساب آورده و به جای استفاده از ظرفیت اسلام در جهت هویت‌بخشی و حلقه‌ی اتحاد عموم، نگاه خوبی به جنبش‌های اسلامی این منطقه نداشته و در پی تضعیف آن‌ها برآیند. لذا به موازات رشد شاخه‌ی داعش خراسان، رهبران سیاسی کشورهای آسیای مرکزی به خصوص تاجیکستان و ازبکستان، به جای روشنگری افکار عمومی و بر حذر داشتن مردم خود از گروه‌های تکفیری-تروریستی، بیش از پیش به سیاست‌های دین‌ستیزانه‌ی خود روی آوردند. هنگامی که منطق سکولاریسم استبدادی از سوی رهبران این دو کشور با جمعیت غالباً مسلمان اجرا گشت و به جای تکیه بر خاصیت وحدت‌بخشی اسلام، بر روی ارزش‌ها و تمایلات فردی و قومی تأکید شد، به تدریج بخش مهمی از حمایت عمومی از دست رفت و بدیهی است که در این شرایط گروه‌هایی افراطی و تندرو در مخالفت با رژیم اتوکراسی و مستبد شکل‌گرفتند. در این میان نیز وجود شکاف‌های شهری-روستایی و مرکز-پیرامون، حس تبعیض را در بین جمعیت کم‌درآمد و فقیر این دو کشور به وجود آورد و موجب خشم و ناراحتی آن‌ها از حکومت مرکزی وقت گردید. (هوشنگی و پاگنجی، ۱۳۹۰: ۲۹)

طبعاً جوانان مسلمان و فقیر این مناطق که به خاطر محدودیت‌های مذهبی و اقتدارگرایی حکام کشورشان به تنگنا آمده و از نظر روحی خسته شده بودند، هنگامی که با ایدئولوژی جاذب و تبلیغات هیجان‌آمیز داعش روبرو شدند، به سمت این گروه تمایل پیدا

کردند. همچنین باید اشاره کرد که اکثر جذب‌شدگان به داعش خراسان از طریق سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی به عضویت این گروه درآمده و مبالغ قابل توجهی نیز در هنگام ثبت‌نام به آن‌ها پیشنهاد شده است. موارد موفق را می‌توان از جمله دلایلی دانست که کشورهای تاجیکستان و ازبکستان را به قطب تأمین‌کننده نیروی انسانی شاخه‌ی داعش خراسان تبدیل نموده و شاهد این امر نیز در هویت عملیات‌کنندگان داعش در سال‌های اخیر آشکار است.

۶- تفاوت‌های مهم طالبان افغانستان با داعش خراسان

از زمان تشکیل شاخه‌ی داعش خراسان، رژیم طالبان خود را در تقابل با این گروه تعریف کرده و در فکر تضعیف و نابودی آن برآمده است. متأسفانه به دلیل عدم شناخت صحیح و یا اصرار مغرضانه‌ی بعضی افراد و دولت‌ها بر تروریستی‌خواندن گروه طالبان، هنوز برخی داعش و طالبان را مشابه دانسته و حتی آن‌ها را متحد می‌پندارند. در صورتی که تفاوت‌های جدی و قابل اثباتی وجود دارد که طالبان را از گروه تکفیری داعش متمایز می‌سازد. در ذیل، به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۱-۶ اختلاف ایدئولوژیک

تفاوت ایدئولوژیک میان طالبان حنفی و داعش وهابی، مهم‌ترین‌ترین نقطه‌ی تمایز این دو گروه است. به طوری که این موضوع، مبنا و تشدیدکننده‌ی اختلاف آن‌ها در مسائل دیگر نیز می‌باشد. اندیشه‌ی دینی طالبان متشکل از چهار رکن اساسی است؛ الف) کلام ماتریدی: ماتریدیه از مذاهب کلامی اهل سنت می‌باشد و ماتریدیان در علم کلام از پیروان ابومنصور ماتریدی سمرقندی هستند. ماتریدی شخصیتی خاص و مهم در بین اهل سنت می‌باشد و تعداد بسیاری از آن‌ها به امامت وی در علم کلام اعتراف دارند و او را هم‌ردیف اشعری می‌دانند. ابومنصور ماتریدی سعی داشت در مسائل کلامی میان عقل‌گرایی معتزله و نقل‌گرایی اهل حدیث تعادل ایجاد کند.

ب) مکتب دیوبندی: دیوبندی نام یک جنبش اسلامی اهل سنت است که در شهر دیوبند هندوستان توسط شاه ولی‌الله دهلوی شکل گرفت. این جنبش زمانی ظهور کرد که موجودیت و استقلال مسلمانان هند در برابر هندوها و فعالیت‌های امپراتوری بریتانیا به خطر افتاده بود. بعدها مکاتبی در هندوستان، شمال پاکستان و حتی افغانستان به تأسی از آموزه‌های این مکتب تأسیس شدند که بخش مهمی از نیروهای طالبان، دانش‌آموخته‌ی این مکاتب هستند.

پیروان مکتب دیوبندی شامل دو دسته‌ی حیاتی و مماتی می‌شوند. دسته‌ی اول معتقد به شفاعت و توسل به اولیای دین و بلاشکال بودن زیارت قبور و اماکن مذهبی هستند، اما دسته‌ی دوم موارد مذکور را از مصادیق شرک و حرام می‌دانند. شایان ذکر است که اکثر اعضای طالبان افغانستان، در دسته‌ی اول جای می‌گیرند.

شاهدی بر موضوع فوق این است که تاکنون هیچ گزارشی از تخریب قبور و زیارتگاه‌ها توسط طالبان به ثبت نرسیده است و حتی مقبره‌ی ملا عمر- رهبر فقید طالبان- در ولایت زابل، محل زیارت عموم و مورد احترام اعضای طالبان می‌باشد.

ج) فقه حنفی: اعضای طالبان از برادران حنفی اهل سنت و پیروان ابوحنیفه نعمان بن ثابت هستند. این مذهب در میان مذاهب چهارگانه‌ی اهل سنت، بیشترین پیرو را دارد و عمده‌ی پیروان آن در کشورهای آسیای مرکزی، افغانستان، پاکستان و جنوب شرقی ایران ساکن هستند. مذهب حنفی بر هفت اصل استوار است که عبارت‌اند از قرآن، سنت، قول صحابه، قیاس و رأی، استحسان، اجماع و عرف.

د) تصوف: تصوف و آموزه‌های صوفی‌گرایانه ریشه در تاریخ افغانستان دارد. از زمان‌های گذشته دو فرقه‌ی قادریه و نقشبندیه تأثیر مهمی بر جامعه‌ی سنتی افغانستان و ترویج اندیشه‌های صوفیانه داشته‌اند. طبق شواهد، رهبران طالبان نیز از گرایش‌های صوفیستی بی‌نصیب نبوده و بخشی از عقاید آنان متأثر از این موضوع بوده است.

در کتاب حقیقت خوارج معاصر که در رد جریان داعش به نگارش درآمد، نویسنده با استفاده از روایات شیوه برخورد با دواعش را اینگونه تشریح می‌کند: برخورد با خوارج- داعش- برخلاف دیگر گروه‌های بدعت‌گذار می‌باشد. به معنای اینکه با باغی‌ها (خروج‌کنندگان بر امام) جنگ می‌شود تا اینکه در طاعت امام درآیند و نیز اسیران و زخیم‌هایشان کشته نمی‌شوند ولی در مورد خوارج گفته شده که مانند افراد عادی کشته شوند. (مفتی انور، عبیدالله، ۱۳۹۵: ۱۴-۱۵)

در مقابل، داعش دارای اندیشه‌ای سلفی- وهابی است و از منظر آنان احنافِ افغان به دلیل مشی صوفیانه و تقلید از مذهب ابوحنیفه، مشرک و بدعت‌گذار محسوب شده و مستحق مرگ می‌باشند.

۲-۶ الگوی حکمرانی

طالبان افغانستان درصدد است که خود را جنبشی ملی و نه قومی و جهانی معرفی کند. آن‌ها صرفاً خواهان برپایی حاکمیت اسلام حنفی و تسلط بر خاک افغانستان هستند و به تمامیت ارضی سایر کشورها احترام می‌گذارند. اما داعش یک جنبش ملی یا قومی ساکن نیست و آرزوی برپایی خلافت در جهان اسلام را دارد، فلذا می‌تواند به عنوان تهدیدی برای امنیت تمام کشورها به شمار می‌روند.

۳-۶ دیدگاه نسبت به شیعیان

اگرچه طالبان شیعیان را منحرف می‌دانند اما هرگز آن‌ها را تکفیر نکرده و اهل تشیع را بخشی از امت اسلامی قلمداد می‌کنند. این موضوع تقریباً مانند دیدگاهی است که شیعیان نسبت به اهل سنت دارند.

طالبان در تأمین امنیت و ارائه‌ی خدمات اجتماعی فرقی میان اهل سنت و شیعیان قائل نشده است. البته ناگفته نماند که انتقاداتی به طالبان نیز وارد است. از جمله اینکه در توزیع مناصب حکومتی سهم شیعیان و اقوام غیرپشتون به مراتب کمتر بوده است و همچنین فقه جعفری توسط این گروه از منابع درسی و آموزشی حذف شده است. با این حال علمای شیعه‌ی افغانستان علیرغم برخی انتقادات به طالبان، تعامل با این گروه را ممکن می‌دانند.

در مقابل داعش به شدت شیعیان را تکفیر کرده و ریختن خون و تجاوز به مال و ناموس آن‌ها را مباح می‌داند. در کتابی منسوب به داعش- آیا طالبان فعلی پیروان حنفیت هستند؟- آمده است: بر کسی پنهان نیست که در تکفیر شیعیان مشرک، همه‌ی ائمه اهل سنت اجماع دارند و مذهب شیعه هیچ ارتباطی با دین اسلام ندارد و یک دین جداگانه از اسلام است. با این حال امارت طالبان بارها به شیعیان برادر خطاب کرده و دین شرک آلود آن‌ها را منسوب به اسلام دانسته است. طالبان از کافر دانستن شیعیان ابا دارد و کسانی که شیعیان را کافر و مشرک می‌دانند، به عنوان خوارج و تکفیری یاد می‌کند.

۷- اقدامات داعش خراسان در ایران و افغانستان

از زمان تشکیل داعش خراسان، این گروه عملیات‌های کوچک و بزرگ زیادی را در کشورهای منطقه انجام داده است. در ذیل به برخی از آن‌ها که در خاک ایران و افغانستان انجام شده است، اشاره می‌کنیم؛

۷-۱ حمله‌ی تروریستی در حرم شاه‌چراغ (آبان‌ماه ۱۴۰۱)

در روز ۴ آبان ۱۴۰۱، فردی تاجیک‌تبار و وابسته به گروه تروریستی داعش خراسان، به صورت مسلح وارد حرم شاه‌چراغ شهر شیراز می‌شود و شروع به تیراندازی به سوی زوار و کارکنان حرم می‌کند. چند روز بعد، داعش مسئولیت این حادثه را پذیرفت و نوشت: در رویدادی جدید، دولت اسلامی در داخل یک مرقد شرک‌آمیز، ایران مجوس را هدف قرار داد و یکی از مجاهدان خلافت اسلامی به تیراندازی در داخل مرقد اقدام کرد و ده‌ها کشته و زخمی بر جا گذاشت. (هفته‌نامه النبأ، شماره ۳۶۲)

خبرگزاری أعماق وابسته به داعش نیز ویدیویی از بیعت شخصی به نام ابی‌عایشه‌العمری با خلیفه داعش منتشر کرد که ادعا می‌کند ویدیوی بیعت عامل حمله تروریستی حرم شاه‌چراغ شیراز است.

۷-۲ حادثه‌ی تروریستی کرمان (دی‌ماه ۱۴۰۲)

در روز ۱۳ دی ۱۴۰۲ مصادف با چهارمین سالگرد شهید قاسم سلیمانی، دو انفجار در مسیر گلزار شهدای کرمان رخ داد که منجر به شهادت ۹۴ تن شد. یک روز پس از حادثه، گروه تروریستی داعش خراسان مسئولیت این حمله را بر عهده گرفت. طبق بیانیه‌ای که این گروه در کانال‌های تلگرامی وابسته به خود منتشر کرد، انفجارها توسط دو عامل انتحاری صورت گرفته بود. داعش در بیانیه خود اعلام کرد: «دیروز دو برادر ما در خلافت اسلامی به نام‌های "عمر الموحّد" و "سیف‌الله مجاهد" در دو عملیات شهادت‌طلبانه به سوی تجمع بزرگ شیعیان مشرک در کنار مزار رهبر کشته‌شده‌ی خود "قاسم سلیمانی" در شهر کرمان در جنوب ایران رفته و کمرندهای انفجاری خود را در میان جمعیت منفجر کردند و بیش از ۳۰۰ نفر رافضی مشرک را کشته یا زخمی نمودند.»

۷-۳ درگیری با طالبان

درگیری‌های نیروهای طالبان با داعش خراسان نیز از بدو حضور داعش در خاک افغانستان تاکنون ادامه داشته است. در زمانی که هنوز نیروهای طالبان درگیر جنگ و نزاع با دشمنانشان- آمریکا و هم‌پیمانان آن- بودند، گاهی اوقات جبهه‌ی نبرد علیه آمریکایی‌ها را مسکوت گذاشته و توان نظامی و اطلاعاتی خود را معطوف مقابله با داعش می‌کردند.



از مهم‌ترین ضرباتی که نیروهای داعش خراسان بر طالبان وارد کردند می‌توان به ترور عبدالغنی فرماندهی ارشد طالبان در ولایت لوگر، انفجار مراسم ختم والدهی ذبیح‌الله مجاهد-سرخنگوی فعلی طالبان- در مسجد عیدگاه کابل، ترور مولوی میراحمد گل‌هاشمی و مولوی محمدداود مزمل حاکمان سابق ولایات ننگرهار و بلخ اشاره کرد.

منقول است هنگامی که مولوی مزمل از جنگ ننگرهار با داعش برمی‌گشت، گفته بود: «خوارج، بسیار وحشی و مردمانی بودند که حتی از حد انسانیت فراتر رفته بودند، زیرا حیواناتی مانند سگ و گربه از جاهایی که این داعشی‌ها حضور داشتند، گریخته بودند. وقتی ما رفتیم و شورشیان را از منطقه بیرون کردیم، این حیوانات دوباره برگشتند و ظاهر شدند.»

(منبع: خبرگزاری رسمی امارت اسلامی افغانستان موسوم به/الإماره دری)

طالبان نیز در پاسخ به جنایت‌های داعش عملیات‌های متقابلی را انجام داده است و حتی در بعضی مواقع، اقدام به حمله‌ی پیش‌دستانه کرده است. به عنوان مثال نیروهای طالبان بهترین و مجهزترین آموزشگاه تربیتی و نظامی داعش در منطقه‌ی زیرکوه ولایت فراه را از لوث وجود تروریست‌ها پاک کرد. همچنین در ماه ژوئیه ۲۰۱۸، طالبان حمله‌ای را علیه داعش در ولایت جوزجان آغاز کرد. طبق گفته فرماندهی تسلیم‌شده‌ی داعش در این حمله، گروه طالبان حدود ۲۰۰۰ نفر را برای نبرد با آن‌ها جمع‌آوری کرده بود. در این درگیری، جنگجویان جنبش اسلامی ازبکستان که با داعش بیعت کرده بودند نیز در کنار داعشی‌ها علیه نیروهای طالبان می‌جنگیدند.

۸- بحث و جمع‌بندی

حال با توجه به مواردی که ذکر گردید و روشن شد که داعش خراسان دشمن ایدئولوژیک حکومت طالبان است، این مهم می‌تواند مسیری مناسب برای اتحاد و همکاری جمهوری اسلامی ایران و امارت اسلامی افغانستان برای سرکوب گروه تروریستی- تکفیری داعش خراسان باشد. موضوعی که مستقیماً با امنیت ملی و منافع هر دو کشور گره خورده و سوابق تلخ و سیاهی را نیز تاکنون به‌جا گذاشته است. از زمینه‌ها و ملزومات همکاری جهت جلوگیری از تهدیدات و حملات احتمالی این گروه تروریستی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود؛

۸-۱ کنارگذاشتن اختلافات قدیمی و تمرکز بر مسائل مهم کنونی و آینده: هرگز نمی‌توان دو کشور را پیدا کرد که هیچ‌گونه اختلافی با هم نداشته باشند، لذا ایران و افغانستان نیز از این قاعده مستثنی نیستند. البته باید توجه داشت که ایران و افغانستان به مثابه‌ی خویشانان قدیمی یکدیگرند و بخش مهمی از تاریخ این دو سرزمین بایکدیگر ممزوج و مرتبط است. از گذشته مسائلی همچون حقایقه‌ی رود هیرمند، تجارت غیرقانونی مواد مخدر- البته قاچاق مواد مخدر بعد از روی کار آمدن حکومت طالبان به شدت کاهش یافته است- و موارد دیگری مطرح بوده است که به صلاح نیست مجدداً داغ آن‌ها را تازه کرد و تمرکز را از مسائل مهم‌تر پرت نمود. همچنین نباید اخبار و گزارشات دروغین رسانه‌های غربی نسبت به حکومت طالبان را به سادگی باور کرد و فقط باید از مراجع معتبر و موثق خبری، تحولات و اخبار منطقه را دنبال نمود.

۸-۲ تحکیم امنیت مرزها و جلوگیری از ورود مهاجرین غیرقانونی: جمهوری اسلامی ایران حدود ۹۵۰ کیلومتر مرز مشترک با افغانستان دارد. با توجه به میل مهاجرت مردمان افغانستان، باید از ورود مهاجران غیرقانونی که می‌خواهند وارد خاک

کشورمان شود جلوگیری به عمل آید. زیرا وقتی که مهاجرانی بدون مدرک معتبر راهی ایران می‌شوند، احتمال اینکه در میان آن‌ها افرادی وابسته به گروه تروریستی داعش خراسان باشند، وجود دارد. بنابراین، باید با انجام اقدامات لازم تأمینی و تمرکز جدی بر مسئله‌ی مهاجران، تهدیدات را به حداقل‌ترین میزان ممکن رساند.

در این موضوع حکومت طالبان نیز می‌تواند نقش برجسته‌ای داشته باشد و از مهاجرت غیرقانونی و ثبت‌نشده‌ی شهروندان کشورش به داخل خاک ایران جلوگیری کند. همچنین حکومت طالبان باید برای تأمین امنیت مرزهای مشترک افغانستان با ایران، تحکیم امنیت مرزها و تسلط بر ورود و خروج از مرزهایش را در دستور کار قرار بدهد.

۳-۸ غربالگری افغانستانی‌های مقیم ایران و اخراج مهاجرین غیرقانونی: طبق اعلام سازمان ملی مهاجرت جمهوری

اسلامی ایران آمار رسمی اتباع افغانستانی حدود ۵ میلیون نفر است. (سازمان ملی مهاجرت: آبان ۱۴۰۲) البته آمار فوق رسمی است و احتمال اینکه حدود ۱ الی ۲ میلیون بیشتر از تعداد اعلام شده مهاجر غیرقانونی در داخل کشور باشد، وجود دارد. لذا شایسته است که یک غربالگری منظم و دقیق از سوی مسئولان جمهوری اسلامی ایران صورت بگیرد تا مهاجرین غیرقانونی شناسایی گردند. در این میان، حکومت طالبان نیز با برقراری امنیت، جلوگیری از تفرقه‌های قومی- قبیله‌ای و تأکید بر وحدت ملی، اصلاح خرابی‌های ناشی از جنگ‌های گذشته، حل مشکل بیکاری و اعطای آزادی‌های عمومی بیشتر می‌تواند سبب بازگشت مهاجرین افغانستانی شود.

۴-۸ همکاری با دیگر کشورهای منطقه: ایران و افغانستان علاوه بر همکاری‌های منسجم نظامی و امنیتی بایکدیگر،

می‌توانند نظر کشورهای دیگر را نیز برای حل بحران امنیتی داعش خراسان، جلب نمایند. زیرا گروه مذکور تهدیدی مشترک برای تمام دولت‌های منطقه است و با امنیت ملی آن‌ها ارتباط مستقیم دارد. کشورهایی همچون روسیه، پاکستان، ترکمنستان، تاجیکستان و ازبکستان می‌توانند در این زمینه همراه باشند. البته چون که بخش قابل توجه‌ای از مبارزان داعش خراسان را جوانان تاجیکستان و ازبکستان تشکیل می‌دهند، نقش دولتمردان این دو کشور در بهبود وضعیت عمومی و حکمرانی کشورشان، احتمال گرایش شهروندانشان به این گروه تروریستی را به حداقل می‌رساند. همچنین از آنجایی که اکثر جذب‌شوندگان از طریق سایت‌ها و شبکه‌های مجازی فریب چنین گروه‌های تروریستی را می‌خورند، باید نظارتی قوی و مستمر بر روی فضای مجازی کشورهای منطقه به وجود آید تا از این اتفاق جلوگیری شود.

منابع

- پاگنجی، احمد و هوشنگی، حسین (۱۳۹۰) بنیادگرایی و سلفیه؛ بازشناسی طیفی از جریان‌های دینی
کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۹۰) تأملی نظری بر پویای ملی‌گرایی قومی در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی، فصلنامه مطالعات آسیای
مرکزی و قفقاز، شماره ۷۵.

زیارت نخست‌وزیر طالبان از قبر ملا عمر، شفقنا افغانستان <https://af.shafaqna.com/FA/542254>

قندهاری، عبدالصبور (۱۳۹۸) آیا طالبان فعلی پیروان حنفیت هستند؟

هویدی، فهمی (۱۳۹۹) طالبان سپاهیان خدا در نبردی اشتباهی، ترجمه وحید خضاب، نشر شهید کاظمی

انفجارد در مراسم ختم مادر سخنگوی طالبان، خبرگزاری ایسنا - ۱۲/۱۴۰۰۷۱۱۰۷۶۱۵/۱۲
<https://www.isna.ir/news/1400071107615/۱۲>

میرصمدی، فائقه (۱۳۹۸) مارو پله؛ داستان زندگی ادمین کانال داعش در ایران، نشر شهید کاظمی

www.moi.ir سازمان ملی مهاجرت ایران، وزارت کشور

کوهکن باقری، علیرضا و باقری، سامیه (۱۳۹۴) زمینه‌های شکل‌گیری گروه داعش در آسیای مرکزی، فصلنامه پژوهشهای

سیاسی جهان اسلام، شماره ۳.

ونسین، ژولی، پدیده خطرناک داعش خراسان <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/2019615/>

مفتی انور، عبیدالله (۱۳۹۵) حقیقت خوارج معاصر، ترجمه ابوزبیر حبیب‌زاده، انتشارات سپین‌غر، چاپ ۱۳۹۷

مروری بر خاطرات ولوی مزمل، خبرگزاری الإماره دری <https://www.alemarahdari.af/living-forever/>

مکتب دیوبندی، ویکی فقه دانشنامه حوزوی <https://fa.wikifeqh.ir/>

Jenkins, Jack. "Who is ISIS-K, the group officials blame for the Kabul airport bombings?". The washington Post. Retrieved 28 August 2023.

Farmer, Ben (27 August 2021). "Ambitious new Isis-K leader becomes Taliban's most wanted enemy after Kabul attacks". The Daily Telegraph. ISSN 0307-1235. Archived from the original on 28 August 2021. Retrieved 27 August 2021.

Analysis of ISIS-K terrorist group as a common threat to Iran and Afghanistan

¹AmirHesam Hashemi

Master student of Islamic Studies and Political Sciences of Imam Sadiq University_ Head of the Afghanistan and Pakistan desk of the Imam Sadiq Student Basij Resistance Office

Abstract

The existence of Pseudo-Islam terrorist *movements* is one of the most important security threats of this century. These groups, which are created in the inflammatory conditions of the societies, often benefit from the hidden and targeted international support. One of these emerging and dangerous groups is ISIS-K. ISIS leaders established a branch of ISIS in the southern regions of Afghanistan in with the aim of expanding their sphere of influence. Since the formation of this group in Afghanistan, the Taliban authorities have counted them among their enemies and fought with them. The recent terrorist actions of this group have sounded a serious alarm for the security of Iran country. The research method in this article is descriptive-analytical and using library and internet resources. Titles examined in the research findings; The history of the formation of ISIS-K, its differences with the Taliban movement, its most prominent actions against Iran and Afghanistan, and the necessity and fields of cooperation to deal with this group. The results of the research showed that the current government of Afghanistan can be defined as a strategic ally for its destruction due to the goal of establishing security and ideological conflict with the ISIS group.

Key words: ISIS-K, Threat , Afghanistan , Iran , Security, Taliban